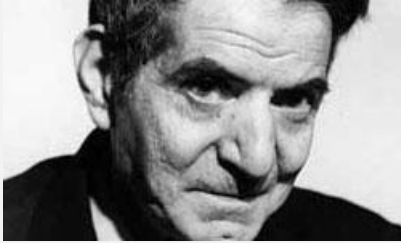


**شهریار؛ اسطوره اقلیم ادب**

شهریار شاعر معاصر ایران زمین را به جرئت می توان یکی از اسطوره های ادبیات فارسی دانست اما شهرت و آوازه این شاعر ایرانی تنها با شعر فارسی برای جهانیان شناخته شده نیست بلکه به این دایره شعری باید اشعار آذری وی را نیز افزود.

نگاهی به زندگی شاعر ولایی آذربایجان / شهریار؛ اسطوره اقلیم ادب  
تبریز- خبرگزاری مهر: شهریار شاعر معاصر ایران زمین را به جرئت می توان یکی از اسطوره های ادبیات فارسی دانست اما شهرت و آوازه این شاعر ایرانی تنها با شعر فارسی برای جهانیان شناخته شده نیست بلکه به این دایره شعری باید اشعار آذری وی را نیز افزود. به گزارش خبرنگار مهر ، سید محمد حسین بهجت تبریزی در سال 1285 هجری شمسی در روستای خشکتاب بخش قره چمن آذربایجان شرقی به دنیا آمد.

خانواده مومن و متدین استاد شهریار در تربیت این کودک همت خود را مصروف داشت و بساط تعلیم و تربیت قرآنی و عرفانی او را فراهم کرد.

سید هادی بهجت تبریزی فرزند استاد شهریار می گوید: شهریار بر سر سفره مردی کریم (پدرشهریار) بزرگ شد که در خانه اش به روی همه باز بود.

سید محمد حسین با قد کشیدن در آغوش طبیعت آذربایجان و کوه "حیدرآباد" نخستین گام هایش را در دامن دنیای شعر و شاعری برداشت و همین طبع روان و روزگار باعث شد تا نخستین شعر او در سن چهار سالگی متولد شود.

شهریار خود درباره دومین شعرش گفته است: "روزی به همراه پدر و چند تن از دوستانش به کوه عون بن علی (سرخاب) تبریز رفته بودیم که فضای دلنشین طبیعت آنجا باعث شد تا شعری فی البداهه در قالب غزل بر زبانه جاری شود و پدرم بعد از شنیدن این شعر مرا بوسید و این کار من موجب حیرت دوستان پدر شد."

دست روزگار این شاعر جوان را برای ادامه تحصیل از تبریز به تهران و مدرسه دارالفنون کشاند و دنیای جدیدی پیش چشم او گشوده شد.

تهران با تمام غربتش چیزهایی داشت که می توانست محمد حسین جوان را چند صباحی در خود آرام دهد.

همنشینی با ملک الشعرای بهار ، جلیل شهنواز ، صبا ، فیروزکوهی و دیگر چهره های بارز شعر و هنر باعث شد تا شالوده دیوان شهریار محکم و محکمتر شود.

اما دوران تحصیل استاد شهریار نیمه تمام ماند و به ناچار خدمت دولتی را برگزید و بانک کشاورزی جسم او را مهمان شد اما روحش بیرون از این محیط اداری مثل مرغی پرکنده در آسمان خیال به پرواز در می آمد و شعرهای او مجال سروده شدن می یافتند .

روح شهریار در کالبد جاننش زبانی دیگر می طلبید تا فریادش را به آن برآورد و چه بهتر از زبان مادری که روزگار خوش کودکی را با آن به سر آورده بود.

مراجعت شهریار به تبریز و روستای دوران کودکی اش شاهکار " حیدرآبادیه سلام" را پدید آورد و گنجینه زبان و ادبیات ترکی آذری شد.

این مجموعه ادبی تاریخی و روایی ، زندگی پاک روستائیان و صفای آنها را به تصویر کشیده و موجب شده است احساسات هر انسان آذری زبان تحریک و اشک از گوشه چشمانش جاری شود.

سید هادی بهجت تبریزی می گوید: " روزی خبر تدریس حیدرآباد در یکی از دانشگاه های ترکیه را به شهریار دادند و شهریار وقتی این مطلب را شنید جا خورد و گفت: یعنی الان ترک ها هم در دانشگاه خود با لهجه آذری ما ، حیدرآباد را می خوانند."

وی می گوید: "پدرم به دور خود دیواری کشیده بود و در این حصار تنهایی و خلوت خویش کار خودش را می کرد و شعرش را می سرود و البته شعر هایش را برای نان نمی گفت اما شهرت شهریار این دیوار را ترک داد و دیگران به خلوتش وارد شدند هر چند او علاقه ای به این شهرت نداشت."

شهریار را البته در زبان و ادبیات ترکی با شاهکار سهندیه هم می توان به جهان معرفی کرد. شعری نو در زبان آذری که پرنده خیال خواننده اش را به دامنه های سهند می برد و از آنجا به سوی بهشت پر می دهد و با مولای متقیان همنشین می کند و داستان شاعر را در داستان خیالی خدا می گذارد و تو چاره ای جز گریستن بر دامن یگانه معبودت نمی یابی.

اشعار شهریار از احساسات پاک شاعرانه شهریار و باورهای دینی او سرچشمه می گیرد و باعث می شود تا "علی ای همای رحمت" او بر زبان هر ایرانی ای زمزمه شود.

شهریار به گفته فرزندش سیدهادی بهجت تبریزی اهل شهرت نبود و شاید بتوان حدیث امیرالمومنین را در مورد او صادق دانست که دنیا همیشه از پی کسانی می دود که نسبت به آن بی توجهی کنند.

شهریار سر انجام در 27 شهریور سال 67 در تهران بر اثر بیماری قلبی دار فانی را وداع گرفت.